

روابط، ارتباطات و تعاملات انسان (۴)

عالم برنخ (قبر)

مجله
حسین سدری نیا



نشریه روشن

۱۳۹۳

سرشناسه : صدری نیا، حسین، ۱۳۴۲ -
 عنوان و نام پدیدآور : عالم برزخ (قبر)/تالیف حسین صدری نیا.
 مشخصات نشر : تهران: سایه روشن، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۲۴۰ص.
 فروست : روابط، ارتباطات و تعاملات انسان؛ ۴.
 شابک : ۱۵۵۵۵۵ : ریال : 5-11-978-600-5352
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : برزخ -- جنبه‌های قرآنی
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۳: ۴ص/ب/ ۱۵۴ BP
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹
 شماره ثبت: ۳۵۳۸۳۹۶ : ملی:



۸۸۳۲۳۲۶۸ - شابک

عنوان : روابط، ارتباطات و تعاملات انسان (۲) - عالم برزخ
 ناشر: سایه روشن
 تألیف: حسین صدری نیا ۰۹۱۲۱۹۸۶۶۳۵
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳
 شماره شابک: ۵-۱۱-۵۳۵۲-۶۰۰-۹۷۸
 شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
 قطع: رقعی
 قیمت: ۱۰ هزار تومان
 مراکز پخش: تهران، نشر سایه روشن ۸۸۳۲۳۲۶۸ - پکتاب ۶۶۹۷۳۲۰۳

حق چاپ برای مؤلف و ناشر محفوظ است

Printed in Iran
 2014

فهرست

۱۱	توضیحات ضروری
۱۳	مقدمه
۱۷	فصل اول: عوالم هستی
۲۱	۱- عوالم در قرآن کریم
۲۲	۱-۱ عوالم عمومی (دنیا و آخرت)
۲۳	۱-۱-۱ انسان در عوالم دنیا و آخرت
۲۴	۱-۱-۱-۱ وزن و اهمیت دنیا و آخرت در سیر تکامل انسان
۲۵	۱-۱-۱-۱-۱ برخورداری محدود تمام با امتحان در دنیا
۲۹	۱-۱-۱-۱-۲ زندگی حقیقی با بهره‌مندی کامل در آخرت
۳۴	۱-۱-۱-۲-۱ وابستگی عوالم دنیا و آخرت به یکدیگر
۳۵	۱-۲ عوالم اختصاصی
۳۷	۱-۲-۱ عوالم اختصاصی انسان
۴۰	۱-۲-۱-۱ عوالم انسانی در قرآن کریم
۴۰	۱-۲-۱-۱-۱ عوالم قبل از دنیا
۴۲	۱-۲-۱-۱-۱-۱ عالم ذر
۴۴	۱-۲-۱-۱-۱-۲ عالم صلب و ترائب
۴۷	۱-۲-۱-۱-۱-۳ عالم جنینی
۴۷	۱-۲-۱-۱-۲-۱ عالم دنیا
۵۱	۱-۲-۱-۱-۲-۱-۱ عوالم پس از دنیا
۵۲	۱-۲-۱-۱-۲-۱-۱-۱ عالم برزخ (عالم قبر)
۵۴	۱-۲-۱-۱-۲-۱-۱-۲ عالم قیامت (معاد)
۵۶	۱-۲-۱-۱-۲-۱-۱-۳ عالم جاودانگی (دوزخ یا بهشت)

فصل دوم: رابطه جان و روح در وجود انسان..... ۵۹

۱- جان، حقیقتی ناملموس با آثار و تجلیاتی ملموس است..... ۶۰

۲- روح قوه تصمیم ساز وجود انسان است..... ۶۱

۲-۱- هوشمندی انسان، علامت حضور روح در بدن است..... ۶۲

۲-۲- روح انسان خواب و مرگ ندارد..... ۶۴

۲-۳- ارزش انسان به میزان انسانیت اوست..... ۶۵

۲-۳-۱- روح یا ظرفیت انسانی در مرد و زن یکسان است..... ۶۶

۳-۱- رابط جسم و روح نافی استقلال آنها نیست..... ۶۷

۳-۱- جسم مرکب و وسیله نقش آفرینی روح است..... ۶۸

۳-۱-۱- نفس روح و جان دادن دو مقوله متفاوتند..... ۶۹

فصل سوم: وظایف انسان قبل از فرارسیدن مرگ..... ۷۳

۱- در پیشگاه خداوند توبه کردن..... ۷۷

۲- برای نجات و برادرانگ خویش تلاش کردن..... ۷۹

۲-۱- اندیشه و عمل خود را اصلاح کردن..... ۸۳

۲-۲- از امکانات و فرصت‌های سعادتمندی خود استفاده کردن..... ۸۷

۲-۳- وصیت کردن (وصیتنامه نوشتن)..... ۸۸

۳- حق الناس را ادا کردن..... ۹۲

۴- به مسئولیت خود در قبال هستی عمل کرد..... ۹۴

فصل چهارم: مرگ؛ کلید فتح باب «عالم برزخ»..... ۹۹

۱- مرگ مقطعی از سیر تکوین انسان است..... ۱۰۱

۲- مرگ به معنی نابودی مطلق نیست..... ۱۰۳

۳- مرگ، بازگشت تکوینی به سوی خداست..... ۱۰۶

۴- مرگ بسان تولد، نوعی خلقت است..... ۱۰۹

۵- نابودی واقعی در نداشتن «حیات انسانی» است نه مرگ جسمانی..... ۱۱۱

۶- زمان و مکان مرگ انسان نامعلوم است..... ۱۱۶

۷- قابض الارواح و ستاننده جان خداست؛ فرشتگان مرگ مأمورند..... ۱۱۷

۸- نوع و نحوه مواجهه ملک الموت و دستیارانش متناسب با چگونگی عملکرد دنیوی

انسان ها تفاوت می کند..... ۱۲۰

- الف- برخورد تند ملک الموت و دستیارانش با کفار و ستمکاران ۱۲۲
- ب- ملاطفت و مهربانی ملک الموت و فرشتگان در مواجهه با مؤمنان و نیکوکاران ۱۲۶
- ۹- اجل با سررسید مرگ انسان قطعی ولی قابل تعلیق است ۱۲۹
- ۱۰- ممانعت و فرار از مرگ ممکن نیست ۱۳۴
- ۱۱- بدترین مرگ قابل تصور برای انسان، مردن در حال کُفر است ۱۳۵
- ۱۲- روز مرگ هم می تواند نظیر روز تولد برای انسان مبارک باشد ۱۳۷
- فصل پنجم: حقایق عالم برزخ ۱۳۹**
- ۱- قبر، نماد و یادمان عالم برزخ است نه خود برزخ ۱۴۱
- ۱-۱- قبر از اجزای الزاماً آرامگاه نیست ۱۴۳
- ۲- انسان در عالم برزخ نوع دیگری از حیات را تجربه می کند ۱۴۵
- ۲-۱- انسان برزخی در قالب مثالی تبلور می یابد ۱۵۰
- ۲-۲- حیات برزخی با مرگ ختم می شود ۱۵۴
- ۳- عالم برزخ تمثیل بهشت و جهنم است ۱۵۵
- ۳-۱- تنعم در بهشت برزخی ۱۵۸
- ۳-۲- تعذب در جهنم برزخی ۱۶۰
- ۳-۱-۲- افراد مستضعف و ناتوان در کونه عذاب برزخی معافند ۱۶۳
- ۳-۲- شفاعت در برزخ منتفی است ۱۶۶
- ۴- مکان تدفین هیچ نقشی در تغییر سرنوشت متوفی ندارد ۱۶۷
- ۵- پرونده تبعات اعمال انسان در عالم برزخ باز است ۱۶۹
- ۶- نخستین مرحله از تجسم اعمال در عالم برزخ است ۱۷۱
- ۷- عالم برزخ محل آگاه شدن انسان به حقانیت خداوند است ۱۷۲
- فصل ششم: ارتباطات تکوینی و تشریعی انسان در عالم برزخ ۱۷۵**
- ۱- روابط و ارتباطات اهل دنیا با برزخیان (اهل قبور) ۱۷۷
- ۱-۱- ارتباط تکوینی ۱۷۷
- ۱-۱-۱- ارتباط تکوینی خاص (نسبی) ۱۷۸
- ۱-۱-۲- ارتباط تکوینی عام (اجتماعی) ۱۷۸
- ۱-۲- ارتباطات تشریعی ۱۷۹
- ۱-۲-۱- ارتباطات تشریعی خاص ۱۷۹
- ۱-۲-۲- ارتباط نسبی، سببی و رضاعی ۱۷۹

- ۱۸۰..... ۲-۱-۲-۱- ارتباط ایمانی
- ۱۸۷..... ۱-۲-۱-۲-۱- «اخوت دینی» آثار دنیوی و اخروی به دنبال دارد
- ۱۸۸..... ۲-۲-۱-۲-۱- «اخوت دینی» مقدم بر روابط دیگر است
- ۱۸۹..... ۱-۲-۱-۲-۱- ۳-۲-۱- اخوان دینی از دعای یکدیگر بهره مند می شوند
- ۱۹۲..... ۱-۲-۱-۲-۱- ۴-۲-۱- اخوان دینی از حسنات یکدیگر نیز سهم می برند
- ۱۹۷..... ۲-۲-۱- ارتباط تشریعی عام
- ۱۹۷..... ۱-۲-۲-۱- ارتباط انسانی
- ۲۰۰..... ۱-۲-۲-۲-۱- ارتباط ریشه ای
- ۲۰۲..... ۱-۲-۲-۲-۱- ارتباط معنایی (مفهومی)
- ۲۰۸..... ۲-۲-۲-۲-۱- سرگذشت پیشینیان عبرت آموز است
- ۲۰۹..... ۲-۲-۲-۲-۱- روابط و ارتباطات اهل برزخ
- ۲۱۰..... ۲-۲-۲-۲-۱- ارتباط اخلاقی (تکوینی و تشریعی)
- ۲۱۱..... ۲-۲-۲-۲-۱- ارتباط با رشتگی
- ۲۱۳..... ۳-۲-۲-۲-۱- ارتباط با خود
- ۲۱۴..... ۴-۲-۲-۲-۱- ارتباط با تجسم و نباتات اهل عالم
- ۲۱۹..... ۵-۲-۲-۲-۱- ارتباط با یکدیگر
- ۲۲۱..... ۶-۲-۲-۲-۱- ارتباط با اعضای خانواده [مختص اهل بهشت]
- ۲۲۴..... ۶-۲-۲-۲-۱- ارتباط با اهل دنیا
- ۲۲۶..... ۱-۶-۲-۲-۱- ارتباط عام تکوینی:
- ۲۲۶..... ۱-۶-۲-۲-۱- با زبان بی زبانی سخن گفتن
- ۲۲۷..... ۲-۶-۲-۲-۱- به خواب زندگان آمدن
- ۲۲۸..... ۳-۶-۲-۲-۱- مختصات وراثتی خود را انتقال دادن
- ۲۲۹..... ۴-۶-۲-۲-۱- دستاوردهای مادی و معنوی خود را به ارث بردن
- ۲۲۹..... ۱-۶-۲-۲-۱- تجربیات علمی
- ۲۳۰..... ۲-۶-۲-۲-۱- تجربیات عملی
- ۲۳۱..... ۳-۶-۲-۲-۱- تجربیات اخلاقی
- ۲۳۳..... ۲-۶-۲-۲-۱- ارتباط خاص تشریعی
- ۲۳۳..... ۱-۶-۲-۲-۱- ارتباط و پیوند ایمانی
- ۲۳۴..... ۲-۶-۲-۲-۱- خیرخواهی عمومی
- ۲۳۷..... منابع و مأخذ

توضیحات ضروری

در ابتدا، نظر خوانندگان عزیز را به مرور چند نکته معطوف می‌دارد:

۱- منبع و محور اصلی این کتاب، قرآن کریم بوده و عنداللزوم در موارد بسیار معدودی به احادیث و روایات معتبر نیز اشاره شده است.

۲- در زمینه موضوع مورد بحث تا حد امکان به اکثر تفاسیر معتبر و دسترس دانشمندان شیعه و سنی مراجعه و به سبب جامع بودن، بیش از همه به تفسیر وزین «المیزان» استناد شده است.

۳- قرآن کریم را تاکنون دهها مترجم و مفسر به زبان فارسی ترجمه کرده در ذیل آیات آن تفسیر نوشته‌اند که با عنایت به مفاهیم لغز و گسترش یافته کلام وحی، این ترجمه‌ها و تفاسیر کمابیش با هم تفاوت دارند. با این وصف سعی شده است که با توجه به موضوع بحث، بهترین، کاملترین، نویاتین، رساترین و دقیقترین ترجمه‌ها و تفاسیر قریب به مضمون مورد نظر قرآن کریم انتخاب و ارائه شوند.

۴- گاهی ملاحظه می‌شود که تعداد زیادی از تفاسیر در مورد یک موضوع نظر یکسانی دارند و در چنین وضعی قاعدتاً حق تقدّم معنوی با کسی است که اولین بار آن نظر را مطرح کرده است. البته این امکان نیز وجود دارد که چند مفسر در مقاطع زمانی و مکانی مختلف به یک نتیجه واحد رسیده باشند به ویژه اینکه در گذشته بسیاری به آثار دیگران به راحتی امروز نبوده است.

۵- به منظور تجلیل از مترجمان و مفسران شریف قرآن کریم رعایت حقوق معنوی و گرامیداشت یاد آنان، در تمام موارد لازم نام آنها ذکر شده است. این مطلب به ویژه از آن جهت اهمیت دارد که بسیاری از این بزرگواران تاکنون در نزد افکار عمومی چنان که باید شناخته نشده‌اند.

۶- به منظور حفظ امانت، بیشتر متن تفاسیر ذیل آیات بدون دخل و تصرف با همان سبک و سیاق و لحن خاص مفسران گرامی قرآن کریم

نقل شده‌اند و درباره‌ی موارد نیز که ویرایش متن و محتوا برای روان و مفهوم سازی مطلب اجتناب ناپذیر بوده، به صورت سنجیده و محدود عباراتی در داخل کروشه [] یا پرانتز () در کنار متن اصلی اضافه شده است تا از متن اصلی قابل تفکیک باشد.

۷- در پاره‌ای موارد که تعداد آیات مرتبط با یک موضوع زیاد بوده، برای اجتناب از تطویل کلام در داخل متن به یک یا چند آیه اشاره و بقیه آنها در پانویس نام برده شده‌اند. به همین ترتیب در مواردی که چندین آیه متوالی مورد توجه قرار گرفته‌اند به ذکر ترجمه آیات بسنده شده است.

در فصل اول کتاب، دنیا و آخرت به عنوان دو عالم عام و کلان که همه موضوعات را در بر گرفته‌اند- و همچنین عوالم خاص انسانی (عوالم قبل از دنیا، دنیا، دنیا بعد از دنیا) با استناد به قرآن کریم و تفاسیر بررسی شده‌اند که مطالعه مطلب این فصل قبل از ورود به مباحث «عالم برزخ» ضرورت دارد چنانکه اغلب این بخش عیناً در کتاب های «عالم ذر»، «عالم صلب و ترائب» و «عالم جنات» نیز تکرار شده است.

۹- با وجودی که سعی بر این بوده که در هر بخش به همه آیات مرتبط با موضوع اشاره شود، مع الوصف به دلیل اینکه فصاحت و علم انسان محدود و ابعاد و عظمت قرآن کریم همچون نازل کننده‌ی مثنوی مشکش نامحدود است، هیچ بعید نیست که مواردی از نظردور مانده باشند. بر این ضمن اینکه هیچ ادعایی در مورد کامل اداشدن حق مطلب وجود ندارد. پسائیش بابت هرگونه قصور، از خداوند منان، غفران و توفیق جبران و از خوانندگان گرامی پوزش می‌طلبم و انشاءالله به شرط بقای عمر تلاش می‌شود تا در جاهای بعدی، نواقص کتاب به کمترین حد ممکن کاهش یابد.

در چارچوب جهان بینی توحیدی، انسان در سیر تکوین و تکامل خود قبل و بعد از دنیا، از عوالم و منازل عبور می کند که در مورد تعداد، عناوین و ترتیب و توالی آنها، بعضاً اختلاف نظرهایی بین صاحب نظران و نیز مفسران قرآن کریم به چشم می خورد.

یکی از جامعترین تفاسیر و نظریاتی که تاکنون با استناد به آیات قرآن کریم در این زمینه ارائه شده، متعلق به علامه فقید سید محمد حسین طباطبائی (اعلیٰ الله مقامه الشریف) صاحب تفسیر وزین المیزان است که این سیر را شامل عوالم قبل از دنیا، دنیا و بعد از دنیا دانسته و بر همین اساس، حیات و زندگی آدمی را در این مقطع با استناد به کلام وحی مورد بررسی و امعان نظر قرار داده است.^۱

اگرچه عالم دنیا و حتی عوالم قبل از آن هر کدام به نوبه خود سهم مشخصی در تکامل انسان دارند با این وصف در میان عوالم پس از دنیا، عالم برزخ (قبر) اهمیت شایان توجهی دارد زیرا نخستین عالمی است که مبدأ آن در همین دنیا قرار دارد و "قرآن کریم [نیز به همین دلیل] خواهد زندگی بین مرگ و بعثت و خلاصه عالم برزخ را جزء زندگی دنیا بشمارد"^۲

از آنجا که عالم برزخ رمز و رازهای خاص خود را دارد، انسان از دیرباز همواره مشتاق بوده که در مورد عوالم پس از مرگ عمیقاً و به طور خلاصه عالم برزخ که توقفگاهی گریزناپذیر در سیر تکوینی است، اطلاعات و آگاهی کسب کند، در صورت امکان با برخی از پیشینیان ارتباط داشته باشد، برای بهر بهیسی آن نیکی و احسان کند و بالاخره از سرگذشت آنها درس زندگی بیاموزد.

۱- ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱، ص ۲۰، ۲۱ و ۱۷۵

۲- همان، ص ۱۴۲

۳- ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۷، ص ۷

از آنجا که واقعیتهای عالم برزخ به علت ماهیت فرامادی، قابل مشاهده و تجربه نیستند، تاکنون هیچ یک از مکاتب غیرتوحیدی تاریخ بشر از عهده وصفش برنیامده اند و نهایت هنر آنها این بوده است که منکر وجود هرگونه عالم اخروی و حیات پس از مرگ شده اند. این درحالی است که ادیان توحیدی ضمن تأکید بر تداوم سیر تکوینی انسان پس از دنیا، چگونگی وضعیت بشر در عوالم برزخ، قیامت و جهنم و بهشت را تبیین کرده اند که در میان آنها به گواهی شواهد و مستندات موجود، کاملترین توصیف از عالم برزخ نظیر دیگر معارف انسانی، مربوط به اسلام و قرآن کریم است.

اسلام ضمن اینکه سیر در عالم برزخ را یکی از الزامات تکوینی می داند در آیات متعددی، طور تفهیم و غیر مستقیم نظر آدمی را به حقایق تأمل برانگیز آن معطوف می سازد.

مهمترین حقیقت در مورد عالم برزخ این است که اساساً با دنیا تفاوت دارد چرا که در دنیا تمامی اشکات کرم پس پاسخگویی به نیازهای تکوینی و تشریعی انسان پیشاپیش و صرف نظر از ایمان و کفرش به دو صورت بالقوه و بالفعل در اختیار وی قرار گرفته اند در حالی که زاد و توشه و مقدمات مورد نیاز برای تأمین آسایش و رفاه اخروی در برزخ عوالم بعد از آن همچون قیامت، باید به هنگام زندگی در همین دنیا تأمین شود زیرا پس از مرگ، آدمی هیچ اراده، اختیار و فرصتی برای نقش آفرینی و جبران مافات ندارد.

۱- مؤمنون/آیات ۳۵ تا ۳۷: آیا به شما نوبت می دهد که چون مُردید و خاک و استخوان شدید [دور از زنده شده و] سر از قبر بیرون خواهید آورد؟ هیئات آنچه برای شما وعده می دهد بسیار بعید است. زندگانی ما، در این دنیا چیزی جز این نیست که عده ای می میرند و عده دیگر بدنیا می آیند و ما هرگز دوباره زنده نخواهیم شد، ترجمه از کلویانور، آیه مشابه: انعام/ ۲۹

۲- بقره/ ۱۹۷: و [برای سفر آخرت] توشه برگزید که بهترین توشه [ها] تقواست، ترجمه از طاهری

به تعبیر دیگر، عالم برزخ بسان دنیا برای همگان مشابه و یکسان نیست و وضعیت افراد در آن بیش از هرچیز به چگونگی عملکرد دنیوی خود آنها بستگی دارد و هرگونه تصویری جز این از برزخ با هیچ اصل علمی و منطقی سازگار نیست. بنابراین، اگر انسانی در دوران زندگی دنیوی عملکرد شایسته‌ای نداشته باشد، پس از مرگش فرزندان و یارانش حتی اگر بخواهند قادر به تغییر وضع او نخواهند بود. هرگونه دعا و احسان افراد مؤمن نیز ولو اینکه نیابتاً و به قصد کمک به چنین فردی صورت گیرد، تأثیر قابل توجهی در بهبود وضعیت او در عالم برزخ نخواهد داشت زیرا مطابق آموزه‌های تشریعی، اگر کسی در جرگه مؤمنان و نیکوکاران قرار نگیرد، نزدیکان و خویشان مؤمنش حق طلب مغفرت برای او را نخواهند داشت و اساساً در عوالم پس از دنیا هیچ یک از ارتباطات نسبی، سببی و غیره برای غیرمؤمنان کارایی ندارند.

به همین ترتیب اینکه پس از مرگش با هدف رستگاری در جوار افراد صالح دفن شود یا نشود هیچ‌گونه تأثیری در حال و روز او نخواهد داشت به دلیل اینکه از منظر جهان بینی قرآنی، همه جان کره زمین متعلق به خداست و این افراد بشرند که به جایگاه و محل اقامت خود بها می‌دهند نه بالعکس، بنابراین

۱- سبا/۳۷: اموات و فرزندان شما هرگز شما را بیش ما مقرب نمی‌سازند و انسان که ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد که برای آنها، در برابر کارهای نیک که انجام داده‌اند، پاداش خداست و این است و آنها در غرفه‌های بهشتی در نهایت امنیت خواهند بود، ترجمه از جوامع الجامع

۲- توبه/۱۱۴: ابراهیم که برای پدرش طلب آمرزش کرد فقط به جهت وعده‌ای بود که با او داده بود اما وقتی که برایش روشن شد که او، دشمن خداست، از او بیزاری جست، زیرا ابراهیم بسیار دوست داشته و زودبار بود، ترجمه از جوامع الجامع

۳- مؤمنون/۱۰۱: هنگامی که در صور دمیده شود در آن روز اصل و نسبی در میان نخواهد بود و از آن چیزی [دربارۀ فامیل و شغل و مقام و میزان تحصیلات و ثروشان] نخواهند پرسید، ترجمه از کواپاتور

۴- زحرف/۶۷: دوستان آنها روز قیامت، دشمن آنها می‌شوند، یجز پرهیزکاران [که دوستی آنان همیشگی است]، ترجمه از همان

۵- «شرف المكان بالمکین»، یعنی: ارزش هر جایگاه به کسی است که در آن قرار گرفته است.

تغییر مکان تدفین به خودی خود نمی تواند تأثیری در سرنوشت فرد متوفی داشته باشد زیرا به تصریح قرآن کریم اگر کسی در زمان حیات بی ایمان و بدکردار باشد هیچ چیز ولو در حد فرضی زمین پر از طلا و اموال بیشمار نیز دافع عذاب الهی از او نخواهند بود.

لازم به ذکر است که خداوند رحمان و رحیم که در حیات دنیا همه انسانها و موجودات را مشمول رحمت عام خود ساخته است، در عوالم برزخ(قبر) و قیامت نیز روزنه های امیدی برای بخشش کسانی که خود بخواهد و مؤمنانی که در حیات دنیا گناهان بزرگی مرتکب شده اند، باقی گذاشته و در همین حال تأکید فرموده است که «و لا یستوفون من تائب» من تائب نشوید.

حسین صدری نیا

رمضان المبارک ۱۴۳۵ - تیرماه ۱۳۹۳ - تهران

- ۱- آل عمران: ۹۱: کسانی که کافر شدند و مجال کفر از دنیا رفتند، اگر روی زمین پر از طلا باشد و آن را به عنوان قدیه و کفاره اعمال بد خویش بپزدانند هرگز از آنها قبول نخواهند شد و بر ایشان عذاب دردناک است و یلوری نخواهند داشت، ترجمه از همان، آیه مشابه: مانده/
- ۲- مجادله: ۱۷: اموال و اولادشان به هیچ وجه آنها را از عذاب در عسقلانی نمی کند، آنها اصحاب آتشند و جاودانه در آن می مانند، ترجمه از جوامع الجامع
- ۳- احزاب: ۱۵۶: «[خدا] گفت:» عذابم را به هر کس بخواهم آن را می رسانم. رحمتم بر همه جز گسترده است و بزودی آن را برای کسانی که خودنگهداری می کنند و زکات [و صدقه] می دهند و کسانی که آنان به نشانه های ما ایمان می آورند، مقرر خواهم داشت، ترجمه از رضایی
- ۴- اسراء: ۵۴: پروردگارتان به [حالات] شما داناتر است اگر بخواهد [و شایسته باشید]، بر شما رحمت می آید و اگر بخواهد [و مستحق باشید] شما را عذاب می کند، ترجمه از همان
- ۵- نساء: ۳۱: اگر از گناهان بزرگی که از آنها منع می شوید، دوری کنید، بدی هایتان را از شما می زدایم و شما را در جایگاه ارجمندی وارد می سازیم، ترجمه از همان
- ۶- یوسف: ۸۷: و از رحمت خدا ناامید نشوید که جز مردمان کافر هیچ کس از رحمت خدا نومید نمی شود، ترجمه از جوامع الجامع